

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که مرحوم سید (ره) فرموده است که بعضی از علما قائل به این شده‌اند که مأموریه به واسطه نذر متعدد می‌شود ولی به غیر نذر متعدد نمی‌شود و در نذر نیز مأموریه به طور مطلق متعدد نمی‌شود، بلکه در بعضی از صور نذر، مأموریه متعدد می‌شود، مثلاً اگر نذر کرده باشد که برای خواندن قرآن وضو بگیرد و نذر کرده باشد که برای دخول در مسجد وضو بگیرد، پس در این هنگام مأموریه متعدد می‌شود و قصد یکی از این دو، شخص را از قصد دیگری بی‌نیاز نمی‌کند، پس اگر هیچ کدام از قرائت قرآن و دخول در مسجد را نیت نکرد، امثال و اداء برای هیچ‌یک از آن دو واقع نخواهد شد، یعنی وضویش صحیح نخواهد بود و اگر یکی از آن [قرائت قرآن یا دخول در مسجد] را به طور معین نیت کرد، امثال و اداء نسبت به همان مورد حاصل خواهد شد و از آن مورد دیگر کفایت نخواهد کرد و به هر حال وضویش صحیح خواهد بود، به این معنا که رافع حدث خواهد بود و اگر نذر کرد که در حالی که وضو دارد قرآن را قرائت کند و همچنین، نذر کرد که در حالی که وضو دارد داخل مسجد شود، پس در این صورت مأموریه متعدد نخواهد شد و وضوی واحد از هر دو مورد [قرائت قرآن و دخول در مسجد] کفایت خواهد کرد زیرا فرض این است که شخص وضوهای متعدد را نذر نکرده است، بلکه نذر کرده است که در حالی که وضو دارد قرائت قرآن و دخول در مسجد را انجام بدهد و یک وضو کافی است و طهارت با یک وضو حاصل می‌شود و در هر دو صورت [هم قرائت قرآن و هم دخول در مسجد] با یک وضو، طهارت حاصل شده است و عنوان متوضاً بودن، محقق است و وضوی آن شخص صحیح است و به نذر خود نیز وفا کرده است.

در رابطه با مطلب مذکور، سه فرض متصور است:

**فرض اول،** اینکه اگر شخص به خاطر یکی از غایاتی که نذر به آنها تعلق گرفته باشد وضو بگیرد، می‌تواند بقیه غایات را نیز با همان وضو انجام بدهد، مثل اینکه شخص نذر کرده است که در حالی که وضو دارد قرآن را قرائت کند و به مسجد داخل شود و زیارت مشاهد مشرفه را انجام بدهد و بعد به خاطر یکی از آن غایات [؛ مثلاً قرائت قرآن] وضو بگیرد و آن را انجام بدهد و سپس با همان وضو دو غایت دیگر را نیز انجام بدهد که در این صورت همان وضوی واحد کفایت می‌کند و نیازی به وضوی مجدد نیست، کما اینکه اگر شخصی برای انجام یک غایتی وضو بگیرد، می‌تواند بقیه غایات را نیز با آن وضو انجام بدهد.

**فرض دوم،** این است که شخص نذر کند که برای قرائت قرآن وضو بگیرد و نذر کند که برای زیارت مشاهد مشرفه وضو بگیرد و همچنین، نذر کند که برای دخول در مسجد وضو بگیرد، ولی تعدد وجود وضو را نذر نکرده است، بلکه اتیان به طبیعی وضو را

نذر کرده است، یعنی نذر کرده است که وضویی که بتواند موصل قرائت قرآن و زیارت و دخول در مسجد موصول باشد، در خارج تحقق پیدا کند، اما وضوی برای قرائت قرآن را جدا از وضوی برای دخول در مسجد و زیارت امام (ع) نذر نکرده است، بلکه طبیعی وضو را نذر کرده است، یعنی وضویی را نذر کرده است که او را به قرائت قرآن و دخول در مسجد و زیارت امام (ع) برساند که در این صورت به تخییر حکم می‌شود؛ بین اینکه یک وضوی واحد بگیرد و یا برای هر کدام یک وضوی مستقل بگیرد پس شخص مخیر است که یک وضو بگیرد [چون نذر شخص به طبیعی وضو تعلق گرفته بود] و بین اینکه هر یک از آن غایات را با یک وضوی مستقل ایجاد کند پس چون پای طبیعی به میان آمده است شخص مخیر است که با طبیعت یک وضو هر سه مصداق را انجام بدهد یا اینکه برای هر کدام از آن مصادیق یک وضوی جداگانه بگیرد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) برای فرض مذکور مثالی ارائه کرده و آن، اینکه اگر شخصی نذر کرده باشد که عالمی را اکرام کند، همچنین، نذر کرده باشد که یک هاشمی [سادات] را اکرام کند و تغایر این دو را نذر نکرده باشد، یعنی نذر نکرده باشد که عالمی را که می‌خواهد اکرام کند، هاشمی نباشد و آن هاشمی را که می‌خواهد اکرام کند، عالم نباشد، بلکه طبیعی اکرام مورد نظر است که در این صورت اگر شخص یک عالم هاشمی را اکرام کند به هر دو نذرش وفا کرده است و همچنین، می‌تواند یک عالم غیر هاشمی را اکرام کند و یک هاشمی غیر را عالم را نیز به طور جداگانه اکرام کند، پس شخص مخیر است که طبیعی اکرام را در یک مصداق جمع کند و یا اینکه در دو مصداق جداگانه ایجاد کند.

**فرض سوم،** این است که شخص نذر کرده باشد که وضویی ایجاد کند که او را به قرائت قرآن برساند و همچنین، وضوی دیگری را نذر کند که او را به زیارت امام (ع) برساند و همچنین، وضوی دیگری را نذر کند که او را به دخول در مسجد برساند که در این صورت تعدد وضو لازم است و وضوی واحد از هر سه غایت مندور کفایت نمی‌کند و تعدد وضو به خاطر تعدد غایت نیست تا گفته شود که وضوی واحد برای غایات متعدد کافی است، بلکه تعدد وضو به خاطر تعدد نذر است زیرا نذر به نفس تعدد وضو تعلق گرفته است لذا باید وضو متعدد باشد تا وفا به نذر صورت گیرد و با یک وضو وفای به نذر محقق نمی‌شود.

#### **اشکال بر فرض سوم**

ممکن است که بر فرض سوم اشکال شود و گفته شود که نذر متعدد خالی از اشکال نیست چون در شریعت مقدسه یک وضو در اتیان به جمیع غایاتی که بر آن مترتب می‌شود، کفایت می‌کند و نیازی به تکرار و تعدد وضو نیست چون طبیعت وضو واحد است و آن، عبارت از غَسَلَتین و مَسْحَتین است و بین وضوی به خاطر یک غایت با وضو به خاطر غایتی دیگر تفاوتی نیست و لذا به خاطر تعدد غایات، وضو متعدد نمی‌شود بنابراین، نذر موجب تعدد وضو نمی‌شود و نذر مشرّع تعدد وضو نیست. به تعبیر روشن‌تر نذر در جایی صحیح است که مندور، مشروع باشد و در بحث مورد نظر که نذر موجب تعدد وضو شود، مندور، مشروع نیست زیرا در شریعت اسلام غایات متعدده با یک وضو قابل انجام است و نذر نمی‌تواند مشرّع باشد، بنابراین، چون مندور [تعدد وضو] مشروع نیست، نذر صحیح نمی‌باشد.

#### **پاسخ از اشکال مذکور**

در پاسخ از اشکال مذکور، عرض می‌شود که مانعی از تعدد نذر نیست زیرا بحث در آن موردی است که اگر امر متعدد شد آیا مأمور به نیز متعدد می‌شود یا متعدد نمی‌شود و بحث در این است که مأمور به یک طبیعت است و به خاطر غایات متعدد، این طبیعت واحده متعدد نمی‌شود، همان‌طور که در باب غُسل نیز اسباب غُسل باعث لزوم تعدد غُسل نمی‌شوند و با اینکه غُسلی که از جهت

جنابت بر شخص واجب می‌شود یک طبیعت است و غُسلی که از جهت حیض بر شخص واجب می‌شود طبیعتی دیگر است و غُسلی که به واسطه نذر بر شخص واجب می‌شود طبیعتی جداگانه دارد، لکن این طبایع مختلف می‌توانند با هم تداخل کنند و شخص می‌تواند یک غُسل را به نیت همه آن اسباب انجام بدهد و غُسلش صحیح و مجزی است. در بحث مورد نظر نیز نذر به فرد تعلق پیدا کرده است و به طبیعت تعلق پیدا نکرده است تا گفته شود که طبیعت و ماهیت قابل تکرار نیست، اما چون نذر به فرد تعلق پیدا کرده است [، مثلاً نذر در رابطه با قرائت قرآن به یک فرد از وضو تعلق پیدا کرده است و در رابطه با زیارت امام (ع) به فرد دیگری از وضو و همچنین، نذر در رابطه با دخول در مسجد به فردی دیگر از وضو تعلق پیدا کرده است] لذا در این صورت که نذر به فردی از افراد وضو تعلق گرفته است، تعدد اشکالی ندارد و تعدد در فرد امری است که شرعاً جایز است لذا در باب نذر برای مکلف جایز است که وضوی متعدد را نذر کند، کما اینکه برای شخص جایز است که برای نماز واجب وضو بگیرد و دوباره نیز وضو بگیرد چون تجدید وضو است و اشکالی ندارد «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ»<sup>1</sup>.

«الحمد لله رب العالمین»

1. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 41.